



وضعیت اشتغال و رضایت شغلی دانش آموختگان دوره‌های کاردانی علمی-کاربردی مراکز آموزش جهادکشاورزی

شهرام مقدس فریمانی^۱

چکیده

بررسی وضعیت شغلی دانش آموختگانی که در موقعیت شغلی قرار گرفته‌اند یکی از راههای تجدید نظر و افزایش کیفیت برنامه‌های آموزشی است و موسسه‌های آموزشی می‌توانند از دانش آموختگان مطالب زیادی درباره نظام آموزشی خود برای تجدید نظر در برنامه‌های فعلی و متناسب نمودن آنها با نیازهای بازار کار یاد بگیرند. هدف کلی این تحقیق بررسی وضعیت اشتغال و رضایت شغلی دانش آموختگان دوره‌های کاردانی علمی کاربردی مراکز آموزش جهاد کشاورزی و از نوع توصیفی است. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموختگان دوره‌های کاردانی علمی کاربردی مراکز آموزش جهادکشاورزی بودند که طی سالهای ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۲ از این مراکز دانش آموخته شده و از طریق نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای تعداد ۲۱۲ نفر انتخاب و از طریق پرسشنامه پستی مورد نظر سنجی قرار گرفتند که ۱۵۵ نفر به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند و نرخ برگشت پاسخنامه‌های پستی ۷۳ درصد بود. یافته‌های تحقیق نشان داد که ۴۷٫۷ درصد از دانش آموختگان دوره‌های کاردانی علمی کاربردی کشاورزی در زمان انجام تحقیق مشغول به کار بوده و ۱۸٫۱ درصد از آنها در حالی که شاغل بودند در مقطع کارشناسی نیز در حال ادامه تحصیل بودند؛ بنابراین در زمان انجام این تحقیق ۶۵٫۸ درصد از دانش آموختگان مشغول به کار بودند که نیمی از آنها پس از اتمام تحصیل در دوره کاردانی مشغول به کار شده بودند. این در حالی بود که ۲۰ درصد از پاسخگویان در آن زمان جویای کار، ۷٫۸ درصد جویای کار و در حال ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر تحصیلی، ۳٫۲ درصد از پاسخگویان مرد در زمان تحقیق در حال انجام خدمت نظام وظیفه، ۱٫۹ درصد صرفاً در حال ادامه تحصیل و تنها ۱٫۳ درصد از دانش آموختگان شاغل نبوده و جویای کار نیز نبودند. از نظر زمان احراز شغل قبل، حین و پس از تحصیل در دوره‌های کاردانی علمی کاربردی، یافته‌ها نشان داد که ۳۶٫۷ درصد از پاسخگویان پس از اتمام تحصیل در دوره کاردانی مشغول به کار شده بودند، ۲۶٫۵ درصد از آنان قبل از تحصیل در دوره کاردانی شاغل به کار بوده و ۲٫۶ درصد نیز در حین تحصیل در دوره کاردانی مشغول به کار شده بودند. طبق یافته‌های این تحقیق، دانش آموختگان میزان ارتباط شغل با رشته تحصیلی خود را در حد متوسط و حدود نیمی از پاسخگویان میزان توانمندی خود را در انجام وظایف محوله شغلی را در حد خوب ارزیابی نمودند و ویژگی‌های فردی همچون جنسیت و وضعیت تاهل بر وضعیت اشتغال دانش آموختگان تاثیری نداشته و شاغلان متاهل و مرد نسبت به شاغلان مجرد و زن تعداد بیشتری را خود اختصاص دادند. همچنین افراد در سنین بالاتر عمدتاً در مشاغل دولتی و یا در واحدهایی که خود راه اندازی نموده بودند مشغول به کار بودند بطوریکه میانگین سنی شاغلان در واحدهای دولتی ۳۷ سال و افراد در سنین پایین‌تر یا بیکار بوده و یا در مشاغل خصوصی جذب شده بودند و میانگین سنی دانش آموختگان غیرشاغل ۲۷ سال بود. از نظر دانش آموختگان؛ عدم وجود بازار کار و سنخیت رشته تحصیلی با شغل مورد علاقه و نداشتن معرف سرشناس جزء مهمترین موانع شغلی‌یابی بیان گردید.

واژه‌های کلیدی: اشتغال، رضایت شغلی، دانش آموخته، آموزش علمی کاربردی کشاورزی، مرکز آموزش.

^۱ استادیار مؤسسه آموزش عالی علمی کاربردی جهادکشاورزی، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی.



مقدمه

امروزه با توجه به توسعه مراکز آموزش عالی در سطح کشور، شمار دانش‌آموختگان رشته‌های دانشگاهی بویژه رشته‌های کشاورزی به سرعت رو به افزایش است و عدم هماهنگی بین تعداد دانش‌آموختگان با فرصت‌های شغلی موجود در بخش‌های مختلف اقتصادی و کمبود تقاضای بازار کار موجب بروز پدیده مخرب اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی شده است که این معضل در بخش کشاورزی حادث‌تر است (یوسفی حاجی وند و خسروی پور، ۱۳۹۰). این در حالی است که در سال‌های اخیر مشکل اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی در کشورمان برای سیاستگذاران بسیار حائز اهمیت بوده است. در این بین، اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی به دلیل نقش بارزی که بخش کشاورزی در اقتصاد ایفا می‌کند از اهمیت دو چندانی برخوردار است (حسینی و حسینی، ۱۳۹۱). مدیریت کشاورزی کشور نیازمند بهره‌گیری از نیروهای متخصص است و موفقیت و کارایی آن بستگی به استفاده بهینه از نیروی انسانی به عنوان مهمترین عامل توسعه کشاورزی دارد. از سوی دیگر دانشکده‌های کشاورزی و مراکز و موسسات آموزش عالی کشاورزی در سال‌های اخیر گسترش یافته و بیکاری دانش‌آموختگان کشاورزی به یکی از معضلات اجتماعی تبدیل شده است. جهت فائق آمدن بر پدیده بیکاری دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی باید علل و عوامل بوجود آورنده آن را شناخت و راه حل‌های اصولی و عملی را بررسی نمود (فولادگر، ۱۳۹۰ و برآبادی، ۱۳۸۷). از آنجا که هدف دوره‌های آموزش عالی علمی کاربردی؛ ارتقای دانش و مهارت‌آموزی، به فعلیت درآوردن استعدادها و نهفته در افراد همراه با فراگیری علوم مربوط به آن مهارت و تربیت نیروی انسانی متخصص و دارای دانش و مهارت لازم برای انجام کارهای محوله و حل مسائل کاربردی در شرایط واقعی می‌باشد (جابران و حیدری، ۱۳۸۳ و اساسنامه دانشگاه جامع تکنولوژی، ۱۳۷۵)، لذا بررسی میزان انطباق رفتار حرفه‌ای و شغلی دانش‌آموختگان دوره‌های علمی کاربردی با واقعیت‌های محیط کار ضروری است. انجام این گونه تحقیقات با ارائه توصیه‌های کاربردی به مجریان و برنامه‌ریزان آموزشی، بهره‌وری این آموزش‌ها را ارتقاء بخشیده، منجر به پرورش دانش‌آموختگانی کارآمد و متناسب با شرایط و نیازهای بازار کار و به تبع آن ارتقای رضایت شغلی، منزلت اجتماعی و بهبود وضعیت اقتصادی دانش‌آموختگان خواهد شد. هدف کلی این تحقیق بررسی وضعیت شغلی دانش‌آموختگان دوره‌های کاردانی آموزش‌های علمی - کاربردی مراکز آموزش جهاد کشاورزی است که در این زمینه به بررسی وضعیت شغلی، میزان رضایت شغلی، تناسب شغل دانش‌آموختگان آموزش‌های علمی کاربردی کشاورزی با رشته تحصیلی آنان و بررسی برخی عوامل فردی مؤثر بر وضعیت شغلی آنان پرداخته ایم.

بررسی وضعیت شغلی دانش‌آموختگانی که در موقعیت شغلی قرار گرفته‌اند یکی از راه‌های تجدید نظر و افزایش کیفیت و بهره‌وری برنامه‌های آموزشی و درسی هر واحد آموزشی است. بسیاری از موسسه‌های آموزشی به این نتیجه رسیده‌اند که می‌توانند از فراگیران قبلی (دانش‌آموختگان) مطالب زیادی درباره نظام آموزشی خود یاد بگیرند. بررسی وضعیت شغلی دانش‌آموختگان به مدیران و برنامه‌ریزان آموزشی کمک می‌کند تا کمیت و کیفیت آموزش‌ها را با تجدید نظر در برنامه‌های فعلی ارتقاء بخشیده، دانش و مهارت دانش‌آموختگان را با نیازهای بازار کار متناسب نمایند (Flynn, ۱۹۹۵). در این راستا رانداوی (Randavay, ۱۹۹۰) با هدف بررسی پی‌گیری دانشجویان مقطع دکتری دوره‌های کشاورزی دانشگاه می‌سی‌سی‌پی آمریکا که بین سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۶ دانش‌آموخته شده بودند و در جهت پاسخ به این سوال که آنان تجارب آموزشی این مقطع تحصیلی در دانشگاه را چگونه ارزیابی می‌کنند تحقیقی را با روش پیمایش توصیفی انجام داد. یافته‌های این تحقیق نشان داد که اکثر دانش‌آموختگان در مشاغل آموزشی و یا مدیریت کشاورزی شاغل بودند و از برنامه دوره دکتری خود اظهار رضایت نمودند. بارتون و برون (Barton & Brown, ۲۰۰۲) به بررسی وضعیت شغلی دانش‌آموختگان آموزش‌های حرفه‌ای دانشکده پالمر در سالهای ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۰ پرداختند. یافته‌های این بررسی نشان داد که تقریباً نیمی از شاغلان معتقد بودند که دانش‌آموختگان این دانشکده برای موقعیت شغلی که در آن به کار گرفته شده‌اند بسیار آماده می‌باشند. آنها دانش‌آموختگان را از نظر مهارت‌های خواندن، نوشتن، صحبت کردن، گوش دادن و حساب کردن در حد عالی ارزیابی و از نظر مهارت‌های مدیریتی و ارتباطی در حد ضعیف تری ارزیابی نمودند.

در مطالعه ای که روی دانش‌آموختگان دانشگاه البرتا کانادا انجام شد مشخص گردید که ۳۴/۸ درصد از دانش‌آموختگان تا ۶ ماه بعد از فارغ التحصیلی به شغل دلخواه دست یافته‌اند. همچنین نتایج نشان داد که ۶۳ درصد از دانش‌آموختگان رشته کشاورزی در ارتباط با رشته تحصیلی خود فعالیت می‌کردند. طبق یافته‌های این تحقیق ۵ سال پس از فارغ التحصیلی ۹۷/۷ درصد از این افراد مشغول به کار بودند. وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان این دانشگاه در ۵ سال پس از فارغ التحصیلی در مقایسه با میانگین ملی اشتغال در وضع بهتر و رضایت بخش تری قرار داشته است (Lehmann et al., ۲۰۰۴).



در مطالعه‌ای که به منظور ارزیابی آمادگی شغلی دانش آموختگان دانشگاه میسولی برای مشاغل وابسته به کشاورزی توسط کارتمل و گارتن (Cartmel & Garton, ۲۰۰۲) انجام شد نتایج نشان داد که تقریباً ۹۵٪ دانش آموختگان به طور تمام وقت شاغل بودند و یا به طور پاره وقت یا به طور تمام وقت ادامه تحصیل می دادند. همچنین بررسی توانمندی شغلی دانش آموختگان نشان داد که برگزاری دوره های برنامه های آموزشی کشاورزی به طور موفقیت آمیزی آن ها را با مهارت های مورد نیاز برای مشاغل کشاورزی آماده کرده است. یافته های این تحقیق نشان داد که دانش آموختگان کم درآمدتر بیشتر به حرفه های غیرمرتبط با کشاورزی تمایل داشته اند. علاوه بر موارد مذکور، روستایی بودن فراگیران دید مثبت تری را نسبت به مشاغل کشاورزی ترسیم نموده و موجب گردیده تا آنان درمقایسه با فراگیران شهری تمایل بیشتری برای ورود به مشاغل کشاورزی از خود نشان دهند (Mallory and Sommer, ۱۹۸۶). تحقیق انجام شده توسط جاگ و همکاران (Judge et al, ۱۹۹۵) نشان داد که بین سن و موفقیت شغلی رابطه مثبتی وجود دارد. افراد متاهل نسبت به افراد مجرد موفقیت شغلی بیشتری دارند. مدیران مرد نسبت به هم تایان زن موفقیت بیشتری دارند. کریسمایر (Kirchmeyer, ۲۰۰۶) معتقد است بین ویژگی های شخصیتی، فعالیت اجتماعی اقتصادی، آموزش، جنسیت و موفقیت شغلی رابطه وجود دارد. این در حالی است که زنان در این مطالعه رتبه پایین تری از لحاظ درآمد و موفقیت شغلی نسبت به مردان داشتند.

همتی (۱۳۸۶) با هدف بررسی وضعیت اشتغال و موفقیت شغلی دانش آموختگان مراکز آموزش جهاد کشاورزی به مطالعه دانش آموختگان مرکز آموزش جهاد کشاورزی آذربایجان شرقی در سالهای ۱۳۷۹-۱۳۷۳ پرداخت. یافته های این تحقیق نشان داد که ۴۹/۲٪ از افراد مورد مطالعه شاغل، ۳۶/۲٪ بیکار، ۱۲/۳٪ مشغول ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر تحصیلی و ۳/۸٪ مشغول انجام خدمت نظام وظیفه بودند. خوی نژاد و میرزایی فیض آبادی (۱۳۸۵) وضعیت اشتغال دانش آموختگان ورودی سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۱ دوره های علمی کاربردی مجتمع آموزش جهاد کشاورزی خراسان را مورد مطالعه قرار دادند. یافته ها حاکی از آن بود که ۳۸٪ از دانش آموختگان مورد مطالعه جذب بازار کار شده و ۶۲٪ غیر شاغل هستند. حدود ۴۴٪ شاغلان در بخش دولتی، ۴۳٪ در بخش خصوصی و ۱۳٪ در بخش خود اشتغالی فعالیت داشتند. بستاک (۱۳۸۸) با هدف بررسی میزان اشتغال دانش آموختگان دوره های علمی کاربردی جهاد کشاورزی و عوامل مؤثر بر اشتغال آنان، تحقیقی را با روش پیمایش اجرا نمود. جامعه آماری این تحقیق را دانش آموختگان سالهای ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۱ دوره های علمی کاربردی جهاد کشاورزی تشکیل می دادند. یافته های این تحقیق نشان داد که ۴۸٪ از جامعه آماری پس از اتمام تحصیل و تا پایان سال ۱۳۸۵ مشغول به کار شده بودند. همچنین یافته های این تحقیق نشان داد که ۵۷/۶ درصد از شاغلان، میزان ارتباط شغل و رشته تحصیلی خود را در حد زیاد و خیلی زیاد ارزیابی نمودند و ۶۲/۸ درصد از آنان میزان مفید بودن رشته تحصیلی خود را در زمینه شغل فعلی در حد زیاد و خیلی زیاد ارزیابی نمودند. محقق معین (۱۳۸۳) به بررسی دوره های علمی کاربردی کشاورزی از طریق مطالعه پی گیری پرداخت. یافته های تحقیق نشان داد که ۶۱ درصد از دانش آموختگان دوره های علمی کاربردی کشاورزی در بدو ورود به تحصیل غیر شاغل بودند و ۶۲/۹ درصد از آنان پس از اتمام تحصیل اشتغال تمام وقت یا نیمه وقت داشتند. مدت انتظار برای یافتن شغل نیز بین یک تا ۲۴ ماه بوده است. یافته های این تحقیق نشان داد که رشته تحصیلی ۵۴/۴ درصد از دانش آموختگان با شغل آنها در حد خیلی زیاد تناسب داشته و ۲۵/۶ درصد از آنان از شغل خود در حد خیلی زیاد راضی بودند. شریعتی (۱۳۸۳) به بررسی وضعیت اشتغال و عوامل مؤثر بر موفقیت شغلی دانش آموختگان مراکز آموزش عالی علمی کاربردی منابع طبیعی پرداخت. یافته های این تحقیق نشان داد که ۴۶/۵ درصد از دانش آموختگان فاقد شغل بودند و از مجموع افراد شاغل تنها ۲۷ درصد در شغل مربوط به رشته تحصیلی خود مشغول به فعالیت شده بودند. بیشتر دانش آموختگان اظهار داشتند که شغل فعلی آنان با دانش حاصل از دوره های گذرانده شده در مراکز آموزشی همخوانی ندارد.

فرخ زاده و همکاران (۱۳۸۹) با بررسی وضعیت اشتغال دانش آموختگان دوره های علمی کاربردی مرکز آموزش جهاد کشاورزی خراسان رضوی به این نتیجه رسیدند که ۲۴ درصد از دانش آموختگان قبل از اشتغال به تحصیل، مشغول به کار بوده که این درصد در زمان تحصیل به ۳۰ درصد و یک سال پس از اتمام تحصیل به ۴۹ درصد افزایش یافته بود. طبق یافته های این تحقیق از نظر دانش آموختگان؛ نداشتن سرمایه، نداشتن مهارت و توان علمی، نبودن بازار کار و اشتغال و عدم تلاش و پشتکار مهمترین موانع اشتغال دانش آموختگان دوره های علمی کاربردی محسوب می گردد. خسروی پور و سلیمانپور (۱۳۸۸) برای بررسی راهکارهای آموزشی مؤثر در توسعه اشتغال دانش آموختگان مرکز آموزش جهاد کشاورزی خوزستان به این نتیجه رسیدند که ۶۵/۶ درصد از کل دانش آموختگان این مرکز شاغل و ۵۷/۳ درصد از دانش آموختگان سهمیه آزاد، بیکار می باشند. این در حالی بود که ۶۱/۶ درصد از دانش آموختگان مورد مطالعه در این تحقیق با استفاده از سهمیه آزاد و ۳۸/۴ درصد با استفاده از سهمیه شاغلان وارد دوره های علمی کاربردی



کشاورزی شده بودند. یافته‌های تحقیق منفرد و همکاران (۱۳۸۹) نشان داد که تمامی دانش‌آموختگان کشاورزی ناپیوسته رشته صید و بهره‌وری آریزان مرکز آموزش عالی علمی کاربردی علوم و صنایع شیلات، شاغل بودند و احساس موفقیت بیشتری نسبت به سایر فارغ‌التحصیلان داشتند.

رضایت شغلی یکی از عوامل مهم در موفقیت شغلی محسوب می‌شود (خدارحیمی و طاهری، ۱۳۸۵) و در زمینه عوامل مؤثر بر رضایت شغلی و انگیزش افراد، تئوری‌های مختلفی وجود دارند که در دو گروه کلی قرار می‌گیرند. تئوری‌های محتوایی که به محتوای ایجاد رضایت شغلی و انگیزش می‌پردازند (تئوری مازلو، تئوری هرزبرگ و ...) و تئوری‌های فرآیندی که فرآیند آنرا مورد نظر قرار می‌دهند (تئوری آدامز، تئوری ویکتور و روم و ...). درباره‌ی رضایت شغلی نظریه‌پردازان زیادی به بحث و تبادل نظر پرداخته‌اند که از جمله‌ی آن می‌توان به نظریه‌ی عوامل بهداشتی- انگیزشی فردریک هرزبرگ اشاره کرد. وی یک مجموعه از عوامل مانند حقوق، مقام، خط مشی‌ها و این گونه عوامل را که به طور مستقیم با فعالیت کاری افراد ارتباط ندارد اما وقتی کیفیت آنها کاهش می‌یابد باعث نارضایتی کارکنان می‌شود را با عنوان بهداشتی معرفی کرده و مجموعه عواملی مانند پیشرفت، قدرشناسی، احساس مسئولیت و غیره را که باعث ایجاد رضایت شغلی و انگیزه در شغل می‌شود تحت عنوان انگیزش مطرح کرده است (مهدوی و عزیز، ۱۳۷۹). از سوی دیگر گروهی از پژوهش‌گران معتقدند رضایت شغلی به شدت با عوامل روانی ارتباط دارد. به عبارت دیگر، این افراد رضایت شغلی را با استناد به دیدگاه‌های روانی و خصوصیات افراد توجیه می‌کنند. بنابراین، رضایت شغلی یک عامل روانی قلمداد می‌گردد و نوعی سازگاری عاطفی با شغل و شرایط آن است؛ یعنی اگر شغل مورد نظر لذت و مطلوبیت لازم را برای فرد تضمین کند، در آن حالت فرد از شغلش احساس رضایت خواهد داشت. در مقابل، چنانچه شغل مورد نظر، رضایت و لذت مطلوب را به فرد ندهد، در این حالت فرد شروع به سرزنش شغل خود می‌کند و در صدد تغییر آن بر می‌آید.

در زمینه‌ی رضایت شغلی متغیرهای زیادی دخالت دارند که این متغیرها را می‌توان به چهار گروه عوامل سازمانی، عوامل محیطی، ماهیت کار و عوامل فردی طبقه بندی کرد. برخی از عوامل سازمانی عبارتند از حقوق و مزایا، پاداش، ترفیع (امکان پیشرفت و ترقی)، سلامت فکری و فیزیکی، تناسب بین توانایی‌های فرد و شغل، سازگاری شغلی و خط مشی‌های سازمانی، عوامل محیطی شامل سبک سرپرستی، اندازه‌ی گروه و کیفیت ارتباطات متقابل شخصی در گروه، شرایط مساعد کاری و ماهیت کار، از جمله عوامل فردی نیز می‌توان به سن و سابقه خدمت اشاره کرد. (مهدوی و عزیز، ۱۳۷۹). تحقیقات کمی و کیفی انجام شده نشان می‌دهد که بیشتر صاحب‌نظران در خصوص این عوامل به عنوان عوامل اصلی رضایت شغلی توافق دارند که شامل شرایط کاری، تعامل با همکار و مدیر و زیردستان، خود شغل، حقوق و مزایا، پیشرفت و ارتقاء، تحسین و قدردانی، کنترل و پاسخگویی، امنیت شغلی، سبک رهبری و خط مشی سازمان می‌شود (میرکمالی، نارنجی ثانی، ۱۳۸۷).

دینایی و فولادی (۱۳۸۰) با بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی دانشکده کشاورزی کرمان نشان دادند که حدود ۱۵ درصد از شاغلان از شغل خود ناراضی هستند. پورکریمی (۱۳۸۸) به مقایسه رضایت شغلی و انگیزه پیشرفت در دانش‌آموختگان کشاورزی خوداشتغال و غیرخوداشتغال پرداخت. یافته‌های این تحقیق نشان داد که انگیزه پیشرفت و رضایت شغلی دانش‌آموختگان خوداشتغال بطور معنی داری از دانش‌آموختگان غیرخوداشتغال بالاتر است. بترایی (۱۳۸۲) با ارزیابی رضایت شغلی دانش‌آموختگان کشاورزی و عوامل مؤثر بر آن به این نتیجه رسید که حدود نیمی از پاسخگویان از شغل خود رضایت قابل قبولی داشتند. بین وضعیت اشتغال (شاغل در بخش کشاورزی و یا بخش غیر کشاورزی) پاسخگویان و میزان رضایت شغلی آنها رابطه معنی داری وجود دارد. حجاری زاده و همکاران (۱۳۹۲) با بررسی رضایت شغلی دانش‌آموختگان کشاورزی در سازمان جهادکشاورزی سیستان و بلوچستان به این نتیجه دست یافتند که رابطه با همکاران، حقوق، توسعه و پیشرفت، مسولیت، علاقه، قدر و منزلت بیشترین تاثیر را در رضایت شغلی آنان دارد. نوری پور و هدایتی نیا (۱۳۹۱) با هدف شناسایی مولفه‌های رضایتمندی شغلی دانش‌آموختگان دانشکده کشاورزی دانشگاه یاسوج تحقیق را انجام دادند که یافته‌ها نشان داد عامل خط مشی و سیاستهای شغلی مانند تناسب حقوق با توانایی، تجربه و مهارت، تناسب حقوق با فعالیتهای انجام شده، ارتباط شغل با رشته تحصیلی، سیاستهای جذب نیروهای متخصص، امکانات آموزشی بدو و ضمن خدمت و مزایای شغلی از مهمترین عوامل مؤثر بر رضایت شغلی آنان می‌باشد.

نتیجه اینکه اکثر تحقیقات صورت گرفته در حیطه بررسی وضعیت شغلی دانش‌آموختگان با روش‌های توصیفی - تحلیلی به بررسی وضعیت و عملکرد شغلی دانش‌آموختگان و عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌است. یافته‌های این تحقیقات عمدتاً نشانگر نقاط ضعف و



قوت آموزش‌ها و ارائه توصیه‌هایی در خصوص بهبود عملکرد دوره‌های آموزشی در جهت بهبود وضعیت شغلی دانش‌آموختگان آن می‌باشند.

روش شناسی

این تحقیق از نوع مطالعات کمی و روش پیمایش توصیفی روش اصلی تحقیق در این بررسی بود. تحقیق حاضر بر حسب زمان وقوع، از نوع تحقیقات پس رویدادی بود و جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموختگان دوره‌های کاردانی علمی - کاربردی مراکز آموزش جهادکشاورزی می‌باشد که طی یک دوره زمانی پنج ساله از مراکز آموزش جهادکشاورزی دانش آموخته شده بودند که با توجه به حجم، نحوه پراکنش و درجه همگونی جامعه، از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای برای نمونه‌گیری استفاده شد. بدین منظور ۲۸ استانی که دارای مراکز بودند که در سال‌های مذکور دارای دانش آموخته دوره‌های علمی کاربردی بودند با توجه به پراکنش جغرافیایی در سه منطقه جغرافیایی قرار گرفتند و در مجموع ۱۳ استان به عنوان نمونه آماری انتخاب شده و تمامی مراکز آموزش جهادکشاورزی فعال در این استانها به عنوان نمونه در نظر گرفته شدند. سپس با توجه به تعداد افرادی که در دوره‌های کاردانی علمی - کاربردی طی سالهای ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۲ از این مراکز دانش آموخته شده بودند (۷۹۰۸ نفر)، با توجه به فرمول کوکران پس از پیش برآورد واریانس جامعه، تعداد ۲۱۲ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بود که داده‌های مورد نیاز این تحقیق از طریق آن که حاوی سؤالات طراحی شده منطبق با اهداف بررسی و با طیف سنجش لیکرت و نیز سؤالات تشریحی گردآوری گردید. پرسشنامه در سه بخش طراحی شد. بخش اول حاوی سؤالات مرتبط با ویژگی‌های فردی دانش‌آموختگان، بخش دوم حاوی سؤالات مرتبط با ویژگی‌های تحصیلی آنان و بخش سوم شامل سؤالات مرتبط با ویژگی‌های شغلی پاسخگویان بود. در انتها نیز سؤالات باز جهت بررسی موانع و مشکلات اشتغال دانش‌آموختگان طرح شده بود. گردآوری داده‌ها بصورت پستی انجام گرفت، بدین منظور پرسشنامه‌ها برای دانش‌آموختگان ارسال و پس از دو بار پی‌گیری پستی و تلفنی، پس از ۱۸ ماه در مجموع ۱۵۵ پاسخنامه با نرخ برگشت ۷۳ درصد دریافت گردید. برای دستیابی به روایی پرسشنامه، ابزار گردآوری داده‌ها در اختیار گروه کارشناسی متشکل از متخصصان، مجریان، برنامه‌ریزان و کارشناسان ارزشیابی آموزشی مؤسسه آموزش عالی علمی کاربردی جهادکشاورزی قرار گرفت و طبق نظرات واصله، اصلاحات لازم در پرسشنامه صورت پذیرفت. در این تحقیق برای تعیین پایایی پرسشنامه پیش‌آزمون استفاده شد. لذا این ابزار در بین ۲۰ نفر از دانش‌آموختگان دوره‌های علمی کاربردی کشاورزی که جزء نمونه آماری تحقیق نبودند توزیع گردید و ضمن بررسی قابل فهم و مشخص بودن سؤالات، در مورد پاسخ سؤالات چندگزینه‌ای از آزمون کرونباخ آلفا جهت تعیین پایایی ابزار تحقیق استفاده شد. میزان آلفای کرونباخ اجزای پرسشنامه بین ۰/۸۹ الی ۰/۹۱ تعیین گردید. داده‌های به دست آمده پس از کد گذاری از طریق نرم افزار SPSS و با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و تحلیلی همچون فراوانی، میانگین، انحراف معیار، ضریب تغییرات و آزمون کای اسکوتر و تحلیل واریانس و داده‌های کیفی از طریق تحلیل محتوا و مقوله بندی پاسخ‌ها به سؤالات تشریحی و باز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها و بحث

ویژگی‌های فردی و تحصیلی دانش‌آموختگان

نتایج بدست آمده نشان داد که از ۱۵۵ پاسخگو، ۱۰۳ نفر (۶۶/۵ درصد) مرد و ۵۲ (۳۳/۵ درصد) را زنان تشکیل می‌دادند. از نظر ترکیب سنی، ۴۰/۱ درصد در دامنه سنی ۲۶ تا ۳۰ سال قرار داشتند و ۲۱/۵ درصد، کمتر از ۲۵ سال سن داشتند. مابقی پاسخگویان بیشتر از ۳۰ سال سن داشته و میانگین سنی پاسخگویان ۳۱ سال بود. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب نوع دیپلم آنها نشان داد که نوع دیپلم ۵۳/۷ درصد از پاسخگویان علوم تجربی و نیم دیگر پاسخگویان به ترتیب در رشته‌های کار و دانش، فنی و حرفه‌ای، علوم ریاضی و انسانی در مقطع دیپلم دانش آموخته شده بودند. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب محل گذراندن دوره کاردانی علمی کاربردی نشان داد که با توجه به تعداد دانشجویان و دانش‌آموختگان مراکز آموزش جهادکشاورزی، ۱۳/۱ درصد آنها از مرکز آموزش جهادکشاورزی خراسان رضوی و ۱۲/۴ درصد نفر از مرکز آموزش جهادکشاورزی یزد دانش آموخته شده بودند و این در حالی بود که دانش‌آموختگان مراکز آموزش جهادکشاورزی سیستان و بلوچستان، مرکزی و آذربایجان غربی کمترین تعداد پاسخگو را در این تحقیق داشتند. مابقی پاسخگویان از مراکز و پردیس‌های جهادکشاورزی سمنان، امام خمینی (ره) کرج، مازندران، بوشهر، فارس،



شهید زمانپور تهران، کرمان، همدان و زنجان دانش آموخته شده بودند. توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب سهمیه پذیرش نشان داد که سهمیه پذیرش ۷۰ درصد پاسخگویان آزاد و سهمیه پذیرش ۳۰ درصد آنان از نوع سهمیه شاغلان بوده است. توزیع فراوانی پاسخگویان از نظر رشته تحصیلی نشان داد که بیشترین پاسخگویان در رشته‌های مرتبط با گروه تخصصی علوم دامی (۳۶،۹ درصد) و علوم زراعی (۱۸ درصد) و مابقی در رشته‌های منابع طبیعی و آب و خاک (۱۱،۶ درصد)، فنی، مهندسی و ماشین‌آلات کشاورزی (۸،۸ درصد)، علوم باغی (۷،۶ درصد)، شیلات و آبزیان (۶ درصد)، صنایع تبدیلی و تکمیلی (۱،۶ درصد) و ۹،۵ درصد نیز در سایر رشته‌ها تحصیل نموده بودند.

وضعیت شغلی دانش‌آموختگان دوره‌های کاردانی علمی کاربردی کشاورزی

بررسی وضعیت شغلی پاسخگویان نشان داد که ۴۷،۷ درصد از دانش‌آموختگان دوره‌های کاردانی علمی کاربردی کشاورزی در زمان انجام تحقیق به صورت تمام وقت یا پاره وقت مشغول به کار بوده‌اند، ۱۸،۱ درصد از آنها نیز در حالی که شاغل به کار بودند در مقطع کارشناسی نیز در حال ادامه تحصیل بودند. بنابراین در زمان انجام این تحقیق ۶۵،۸ درصد از دانش‌آموختگان مشغول به کار بودند. این در حالی بود که ۱۸،۱ درصد از پاسخگویان در آن زمان جویای کار بوده و ۷،۷ درصد نیز علاوه بر اینکه جویای کار بودند در حال ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر تحصیلی نیز بودند. همانگونه که در جدول ۱ نیز نشان داده شده است ۳،۲ درصد از پاسخگویان مرد در زمان تحقیق در حال انجام خدمت نظام وظیفه و ۱،۹ درصد صرفاً در حال ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی بودند.

جدول ۱) وضعیت شغلی دانش‌آموختگان دوره‌های علمی کاربردی کشاورزی

وضعیت شغلی	تعداد	درصد
شاغل (تمام وقت یا پاره وقت) می‌باشد	۷۴	۴۷،۷
شاغل و در حال ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی می‌باشد	۲۸	۱۸،۱
شاغل بوده، ترک شغل نموده و در حال حاضر جویای کار است	۳	۱،۹
شاغل نبوده و در حال حاضر جویای کار می‌باشد	۲۸	۱۸،۱
شاغل نبوده و در حال حاضر جویای کار نمی‌باشد	۲	۱،۳
غیر شاغل و در حال ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی می‌باشد	۳	۱،۹
جویای کار و در حال ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی می‌باشد	۱۲	۷،۸
در حال انجام خدمت نظام وظیفه می‌باشد	۵	۳،۲
جمع	۱۵۵	۱۰۰

توزیع فراوانی پاسخگویانی که مشغول به کار بودند از نظر محل اشتغال یا نوع شغل آنها نشان داد که ۳۴،۸ درصد از دانش‌آموختگان در مشاغل دولتی، ۲۳،۹ درصد در مشاغل خصوصی و ۷،۱ درصد در واحدهای شغلی که خود راه اندازی نموده بودند مشغول به کار شده بودند. این در حالی بود که ۳۴،۲ درصد از دانش‌آموختگان در زمان انجام تحقیق غیر شاغل و جویای کار بودند. از نظر زمان احراز شغل قبل، حین و پس از تحصیل در دوره‌های کاردانی علمی کاربردی کشاورزی، یافته‌ها نشان داد که ۳۶،۷ درصد از پاسخگویان پس از اتمام تحصیل در دوره کاردانی مشغول به کار شده بودند و این در حالی بود که ۲۶،۵ درصد از آنان قبل از تحصیل در دوره کاردانی شاغل به کار بوده و ۲،۶ درصد نیز در حین تحصیل در دوره کاردانی مشغول به کار شده بودند (جدول ۲).

جدول ۲) زمان احراز شغل دانش‌آموختگان دوره‌های کاردانی علمی کاربردی کشاورزی

زمان احراز شغل	تعداد	درصد
----------------	-------	------



۲۶،۵	۴۱	قبل از تحصیل در دوره کاردانی علمی کاربردی کشاورزی شاغل بوده‌اند
۲،۶	۴	در حین تحصیل در دوره کاردانی علمی کاربردی کشاورزی مشغول به کار شده‌اند
۳۶،۷	۵۷	پس از اتمام تحصیل در دوره کاردانی علمی کاربردی کشاورزی مشغول به کار شده‌اند
۳۴،۲	۵۳	در حال حاضر جویای کار بوده یا شاغل نیستند
۱۰۰	۱۵۵	جمع

وضعیت ادامه تحصیل دانش‌آموختگان دوره‌های کاردانی علمی کاربردی کشاورزی نشان داد که ۲۷،۷ درصد از پاسخگویان در زمان انجام تحقیق در مقطع کارشناسی در حال ادامه تحصیل بوده و ۲۰ درصد نیز در آن زمان در مقطع کارشناسی ادامه تحصیل داده و دانش‌آموخته شده‌اند بودند. این در حالی بود که حدود نیمی از پاسخگویان (۵۲،۳ درصد) در مقطع کارشناسی ادامه تحصیل ندادند. وضعیت اشتغال دانش‌آموختگانی که در مقطع بالاتر ادامه تحصیل داده و دانش‌آموخته شده بودند و یا در حال ادامه تحصیل بودند نشان داد که ۶۳،۱ درصد از آنها در زمان انجام تحقیق شاغل بوده و ۱۷،۹ درصد نیز در عین حال که در حال ادامه تحصیل بودند جویای کار نیز بودند و ۱۹ درصد از آنها نیز در مقطع بالاتر دانش‌آموخته شده و جویای کار بودند (جدول ۳).

جدول ۳) وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان دوره‌های کاردانی علمی کاربردی کشاورزی که در دوره کارشناسی در حال ادامه تحصیل بوده یا دانش‌آموختگان دوره‌های کارشناسی

وضعیت اشتغال و تحصیل	تعداد	درصد
دانش‌آموخته و شاغل	۲۸	۳۳،۳
در حال ادامه تحصیل و شاغل	۲۵	۲۹،۸
در حال ادامه تحصیل (غیر شاغل یا جویای کار)	۱۵	۱۷،۹
دانش‌آموخته و غیر شاغل یا جویای کار	۱۶	۱۹،۰
جمع	۸۴	۱۰۰

توزیع فراوانی پاسخگویان از نظر مدت انتظار برای یافتن شغل نشان داده که افراد شاغل به کار به طور متوسط حدود یکسال در جستجوی کار بوده و افراد غیر شاغل نیز بطور متوسط ۱۹ ماه در انتظار شغل مناسب به سر می‌برند (جدول ۴).

جدول ۴) مدت زمان جستجوی شغل دانش‌آموختگان دوره‌های کاردانی علمی کاربردی کشاورزی

مدت زمان جستجوی کار	تعداد	مدت زمان (ماه)	
		میانگین	انحراف از معیار
شاغلان	۶۰	۱۳،۱۵	۱۴،۷۷
غیر شاغلان	۴۳	۱۹،۵	۱۷

یکی از اهداف این تحقیق بررسی میزان رضایت شغلی دانش‌آموختگان شاغل به کار بود که میزان رضایت آنها با توجه به عوامل چهارگانه مندرج در جدول ۷ تعیین گردید. یافته‌ها نشان داد که میزان رضایت پاسخگویان از عامل روابط پرسنل و کارکنان (ضریب تغییرات: ۲۸،۹۸) بیشتر از سایر عوامل بوده و میزان رضایت آنها از عامل حقوق و دستمزد (ضریب تغییرات: ۵۸،۳۷) نسبت به سایر عوامل کمتر بود. با توجه به ضریب تغییرات نظرات، میزان رضایت دانش‌آموختگان از روابط پرسنل و کارکنان، مدیریت و سرپرستی (ضریب تغییرات: ۴۰،۳۳) و نوع کار و مسؤولیت (ضریب تغییرات: ۴۰،۷۶) در حد متوسط تا زیاد و میزان رضایت از حقوق و دستمزد در حد کم تا متوسط بود و میزان رضایت کل آنها از شغل (میانگین: ۳۰،۰۵) در حد متوسط تا زیاد تعیین گردید (جدول ۵).

جدول ۵) میزان رضایت دانش‌آموختگان شاغل دوره‌های کاردانی علمی کاربردی کشاورزی از عوامل شغلی

میزان رضایت



عوامل شغلی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
روابط پرسنل و کارکنان	۹۲	۳،۵۲	۱،۰۲	۲۸،۹۸
مدیریت و سرپرستی	۹۴	۳،۰۵	۱،۲۳	۴۰،۳۳
نوع کار، مسئولیت و وظایف شغلی	۹۶	۳،۴۱	۱،۳۹	۴۰،۷۶
حقوق و دستمزد	۹۹	۲،۲۱	۱،۲۹	۵۸،۳۷

مقیاس: ۰: هیچ، ۱: خیلی کم، ۲: کم، ۳: متوسط، ۴: زیاد، ۵: خیلی زیاد

یکی از مؤلفه‌هایی که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت میزان ارتباط شغل دانش‌آموختگان با رشته و گرایش تخصصی آنها بود. یافته‌ها نشان داد که از نظر پاسخگویان میزان ارتباط شغل با رشته تحصیلی آنان (ضریب تغییرات: ۵۹،۸۱) در حد متوسط و میزان ارتباط و فایده آموزش‌های کسب شده با وظایف شغلی آنان (ضریب تغییرات: ۴۳،۰۶) نیز در حد متوسط تا زیاد بود. این در حالی بود که از نظر آنان توانایی انجام وظایف و مسئولیت‌های شغلی از نظر کارفرما و سایر همکاران (ضریب تغییرات: ۱۴،۹۲) در حد مطلوب و میزان توانمندی آنان در انجام وظایف محوله شغلی از نظر خودشان (ضریب تغییرات: ۱۳،۱۵) در حد زیاد تا خیلی زیاد بود (جدول ۶).

جدول ۶) ارزیابی دانش‌آموختگان شاغل دوره‌های کاردانی علمی کاربردی کشاورزی از وضعیت شغلی خود

وضعیت شغلی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
میزان توانمندی در انجام وظایف محوله شغلی	۱۰۵	۴،۴۱	۰،۵۸	۱۳،۱۵
توانایی انجام وظایف و مسئولیت‌های شغلی از نظر کارفرما و سایر همکاران	۱۰۱	۴،۲۹	۰،۶۴	۱۴،۹۲
میزان ارتباط و فایده آموزش‌های کسب شده با وظایف شغلی	۱۰۵	۳،۵۳	۱،۵۲	۴۳،۰۶
میزان ارتباط شغل با رشته تحصیلی	۱۰۴	۳،۱۱	۱،۸۶	۵۹،۸۱

مقیاس: ۰: هیچ، ۱: خیلی کم، ۲: کم، ۳: متوسط، ۴: زیاد، ۵: خیلی زیاد

در راستای بررسی میزان رضایت شغلی دانش‌آموختگان از پاسخگویان شاغل به کار خواسته شد تا عوامل موثر در ماندگاری در شغل فعلی خود را بیان کنند. هماهنگی که در جدول ۷ نشان داده شده است از نظر پاسخگویان مدیریت و کارکنان (ضریب تغییرات: ۳۸،۷۸) و ارتباط شغل آنها با تخصص و رشته تحصیلی (ضریب تغییرات: ۵۸،۳۹) مهمترین عوامل ماندگاری آنها در شغل فعلی آنها بود. این در حالی بود که از نظر آنان حقوق و دستمزد (ضریب تغییرات: ۶۰،۵۷) کمترین تاثیر را در ماندگاری آنها در شغل فعلی داشته است.

جدول ۷) عوامل موثر در ماندگاری دانش‌آموختگان شاغل دوره‌های کاردانی علمی کاربردی کشاورزی در شغل فعلی از نظر

دانش‌آموختگان

عوامل	تعداد	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
مدیریت و کارکنان	۹۹	۳،۱۲	۱،۲۱	۳۸،۷۸
ارتباط شغل با تخصص و رشته تحصیلی	۹۹	۳،۱۰	۱،۸۱	۵۸،۳۹
نزدیکی به محل سکونت	۱۰۰	۲،۸۷	۱،۶۸	۵۸،۵۴
تشویق اقوام، دوستان و نزدیکان	۹۷	۲،۶۳	۱،۵۹	۶۰،۴۶
کفایت حقوق و دستمزد	۹۸	۲،۴۶	۱،۴۹	۶۰،۵۷

مقیاس: ۰: هیچ، ۱: خیلی کم، ۲: کم، ۳: متوسط، ۴: زیاد، ۵: خیلی زیاد



جهت تعیین عوامل فردی مؤثر بر وضعیت شغلی دانش‌آموختگان آموزش‌های علمی - کاربردی کشاورزی به بررسی دو متغیر جنسیت و وضعیت تاهل بر وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان پرداخته شد. همانگونه که در جدول ۸ نشان داده شده است این دو متغیر رابطه معنی‌داری با وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان مورد بررسی نداشتند و شاغلان متاهل و مرد نسبت بیشتری را نسبت به شاغلان مجرد و زن به خود اختصاص داده بودند.

جدول ۸) آزمون کای اسکور در زمینه وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان بر اساس جنسیت و وضعیت تاهل

نتیجه آزمون	Sig	X ²	جمع	وضعیت تاهل		جنسیت	وضعیت شغلی
				متاهل	مجرد		
۰,۰۶		۳,۳۱	۲۵,۴	۱۱,۸	۱۳,۶	زن	شاغل
			۷۴,۶	۴۹,۱	۲۵,۵	مرد	
			۱۰۰	۶۰,۹	۳۹,۱	جمع	
۰,۲۷		۰,۸۴	۵۳,۳	۲۲,۲	۳۱,۱	زن	غیر شاغل
			۴۶,۶	۱۳,۳	۳۳,۳	مرد	
			۱۰۰	۳۵,۶	۶۴,۴	جمع	

مقایسه میانگین وضعیت اشتغال پاسخگویان بر اساس سن نشان داد افراد در سنین بالاتر عمدتاً در مشاغل دولتی و یا در واحدهایی که خود راه اندازی نموده بودند مشغول به کار بوده و افراد در سنین پایین‌تر یا بیکار بوده و یا در مشاغل خصوصی جذب شده بودند بطوریکه میانگین سنی شاغلان در واحدهای دولتی ۳۷ سال و میانگین سنی دانش‌آموختگان غیرشاغل ۲۷ سال بود (جدول ۹).

جدول ۹) مقایسه میانگین وضعیت اشتغال پاسخگویان بر اساس سن

نوع شغل	تعداد	میانگین سن	F	Sig
دولتی	۵۴	۳۷,۲	۳۱,۷	۰,۰۰۰
خصوصی	۳۷	۲۸		
خوداشتغالی	۱۱	۲۹,۷		
غیرشاغل	۵۳	۲۷,۱		
جمع	۱۵۵	۳۱,۲		

موانع و مشکلات اشتغال دانش‌آموختگان پس از اتمام تحصیل در دوره‌های علمی - کاربردی در این تحقیق جهت بررسی موانع و مشکلات شغلی یابی پس از اتمام تحصیل در دوره‌های علمی - کاربردی، دیدگاه دانش‌آموختگان در این خصوص بررسی شد. تحلیل محتوای نظرات دانش‌آموختگان نشان داد که از نظر آنها عدم وجود بازار کار و سنخیت شغل مورد علاقه با رشته تحصیلی نداشتن معرف سرشناس، پایین بودن اعتبار، نوع و درجه مدرک تحصیلی برای شغلی یابی و ارتقای شغلی جزء مهمترین موانع شغلی یابی بیان گردید (جدول ۱۰).

جدول ۱۰) نظرات دانش‌آموختگان درباره موانع و مشکلات اشتغال پس از اتمام تحصیل در دوره کاردانی علمی کاربردی کشاورزی (افراد شاغل به کار)



موانع و مشکلات شغلیابی	فراوانی پاسخها (درصد)
عدم وجود بازار کار و سنخیت رشته تحصیلی با شغل مورد علاقه	۳۳,۱
نداشتن معرف سرشناس	۱۷,۸
پایین بودن اعتبار، نوع و درجه مدرک تحصیلی برای شغلیابی و ارتقای شغلی	۱۰,۲
عدم اعتماد کارفرمایان و صاحبان مشاغل به دانش‌آموختگان بدون سابقه، تجربه و مهارت کافی	۹,۳
عدم دسترسی به سرمایه و وام‌های لازم برای اشتغال‌زایی	۸,۵
تکمیل ظرفیت پرسنلی، عدم جذب نیروی انسانی و تعدیل نیرو توسط واحدهای تولیدی و خدماتی	۵,۹
پایین بودن سطح حقوق و دستمزد	۴,۲
عدم اعتبار و شناخت جامعه از رشته‌های علمی کاربردی به عنوان رشته‌های تخصصی	۴,۲
تعداد زیاد دانش‌آموختگان در هر رشته و رقابت برای شغلیابی	۳,۴
عدم ثبات و امنیت شغلی پس از اشتغال به کار	۳,۴

برسی موانع و مشکلات شغلیابی پس از اتمام تحصیل در دوره‌های کاردانی علمی - کاربردی از دیدگاه دانش‌آموختگانی که در زمان انجام تحقیق موفق به یافتن شغل دلخواه خود نشده بودند نشان داد که از نظر آنان عدم وجود بازار کار و سنخیت رشته تحصیلی با شغل مورد علاقه، نداشتن معرف سرشناس، تکمیل ظرفیت پرسنلی، عدم جذب نیروی انسانی و تعدیل نیرو توسط واحدهای تولیدی و خدماتی شغلی جزء مهمترین موانع شغلیابی بیان گردید (جدول ۱۱).

جدول ۱۱) نظرات دانش‌آموختگان درباره موانع و مشکلات شغلیابی پس از فراغت از تحصیل در دوره کاردانی علمی کاربردی کشاورزی (افراد فاقد شغل)

موانع و مشکلات شغلیابی	فراوانی پاسخها (درصد)
عدم وجود بازار کار و سنخیت رشته تحصیلی با شغل مورد علاقه	۳۰,۶
نداشتن معرف سرشناس	۱۶,۳
تکمیل ظرفیت پرسنلی، عدم جذب نیروی انسانی و تعدیل نیرو توسط واحدهای تولیدی و خدماتی	۱۴,۳
نبود بازار کار دولتی (جذب و استخدام)	۱۲,۲
عدم پذیرش مدرک و مدارج تحصیلی پایین برای استخدام	۸,۲
تعداد زیاد دانش‌آموختگان در هر رشته	۴,۱
عدم دسترسی به سرمایه جهت اشتغال‌زایی	۴,۱
عدم اعتماد کارفرمایان و صاحبان مشاغل به دانش‌آموختگان بدون سابقه، تجربه و مهارت کافی	۴,۱
عدم تناسب رشته تحصیلی با مشاغل سنتی	۴,۱
عدم شناخت جامعه از رشته‌های تحصیلی علمی کاربردی	۲

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

باتوجه به اهداف آموزشهای علمی - کاربردی که کسب مهارت‌های لازم توأم با علوم مربوط به آن مهارت جهت انجام فعالیتها و کارها در شرایط واقعی و کسب توانمندی‌های لازم جهت احراز مشاغل مورد نیاز جامعه می‌باشد، لذا بررسی وضعیت شغلی دانش‌آموختگان پس از طی یک دوره زمانی معین پس از اتمام تحصیل آنها جهت بررسی میزان تحقق‌پذیری این اهداف ضروری است. در این راستا هدف تحقیق حاضر بررسی وضعیت شغلی دانش‌آموختگان دوره‌های کاردانی آموزشهای علمی - کاربردی کشاورزی بود که با روش پیمایش توصیفی و از طریق نظرخواهی از ۱۵۵ نفر از دانش‌آموختگان این دوره‌ها صورت پذیرفت. یافته‌های این تحقیق نشانگر آن بود که حدود نیمی از دانش‌آموختگان پس از گذشت حداقل ۵ سال از اتمام تحصیل مشغول به کار شده‌اند. البته بایستی به



این نکته نیز توجه داشت که ۲۶/۵٪ از این افراد قبل از شروع به تحصیل در این دوره ها شاغل بودند. یافته‌های تحقیقات همتی (۱۳۸۶)، خوی‌نژاد (۱۳۸۵)، بستاکی (۱۳۸۸)، محقق معین (۱۳۸۳)، فرخزاده (۱۳۸۹) و خسروی‌پور (۱۳۸۸) نیز موید این نکته بود که نیمی از دانش‌آموختگان مراکز آموزش علمی - کاربردی کشاورزی پس از اتمام تحصیل و گذشت یک دوره زمانی حداقل چهار الی پنج ساله مشغول به کار بوده یا شده بودند. همچنین یافته‌های این تحقیق نشانگر آن بود که دستگاه‌های دولتی بیشترین نقش را در جذب دانش‌آموختگان دوره‌های علمی - کاربردی داشته و سپس بخش خصوصی در این امر ایفای نقش نموده بودند در حالی که اشتغال در واحدهایی که خود دانش‌آموختگان راه اندازی نموده بودند کمتر در جذب دانش‌آموختگان ایفای نقش نموده بودند. یافته‌های تحقیق خوی‌نژاد (۱۳۸۵) نیز موید این نکته بود که دانش‌آموختگان ابتدا در بخش دولتی و خصوصی و سپس به صورت خوداشتغالی جذب کار شده بودند. از نظر میزان ارتباط رشته تحصیلی که در آن دانش‌آموخته شده بودند و شغلی که در آن اشتغال به کار داشته نیز یافته‌ها نشانگر ارتباطی در حد متوسط بود. یافته‌های بستاکی (۱۳۸۸) نیز نشانگر آن بود که میزان ارتباط شغلی نیمی از دانش‌آموختگان با رشته تحصیلی آنها در حد زیاد تا خیلی زیاد بود. رضایت شغلی و عوامل موثر در ماندگاری شغلی دانش‌آموختگان نیز نشانگر رضایت آنها از پرسنل و کارکنان واحد کاری خود و نارضایتی نسبی آنها از حقوق و دستمزد حکایت داشت. یافته‌های تحقیق زمانی (۱۳۸۹)، حجاری زاده و همکاران (۱۳۹۲) و نوری پور و هدایتی نیا (۱۳۹۱) نیز نشان داد که حقوق و تسهیلات مالی در عدم رضایت دانش‌آموختگان کشاورزی موثر است.

از نظر میزان ارتباط رشته تحصیلی که در آن دانش‌آموخته شده بودند و شغلی که در آن اشتغال به کار داشته نیز یافته‌ها نشانگر ارتباطی در حد متوسط بود. یافته‌های بستاکی (۱۳۸۸) نیز نشانگر آن بود که میزان ارتباط شغلی نیمی از دانش‌آموختگان با رشته تحصیلی آنها در حد زیاد تا خیلی زیاد بود. طبق یافته‌های این تحقیق مدت انتظار برای یافتن شغل نیز برای شاغلان بیشتر از یکسال بود. یافته‌های محقق معین (۱۳۸۳) نیز مدت انتظار برای یافتن شغل را بین یک یا ۲۴ ماه تعیین نموده بود. رضایت شغلی و عوامل موثر در ماندگاری شغلی دانش‌آموختگان نیز نشانگر رضایت آنها از پرسنل و کارکنان واحد کاری خود و نارضایتی نسبی آنها از حقوق و دستمزد حکایت داشت. از نظر وضعیت ادامه تحصیل نیز یافته‌های این تحقیق نشانگر ضریب بالای ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر توسط دانش‌آموختگان دوره‌های کاردانی علمی - کاربردی داشت. بطوری که ۲۰ درصد از دانش‌آموختگان دوره‌های کاردانی در زمان انجام تحقیق در مقطع کارشناسی ادامه تحصیل داده و دانش‌آموخته شده بودند و ۲۷/۷ درصد نیز در آن زمان در حال ادامه تحصیل بودند و نیمی از دانش‌آموختگان در مقطع کارشناسی ادامه تحصیل نداده بودند و یا در حال ادامه تحصیل نیز نبودند.

تحلیل محتوای نظرات دانش‌آموختگان در خصوص موانع و مشکلات اشتغال نیز حکایت از عدم وجود ارتباط بین رشته تحصیلی آنها با شغل مورد نیاز و بازار و عدم توجه به شایستگی‌ها و صلاحیت‌های افراد در جذب آنها در مشاغل مناسب و نبود جایگاه مناسب برای مدارج تحصیلی آنها در جامعه بود. یافته‌های فرخزاده (۱۳۸۹) نیز در این خصوص نشان داد که نداشتن سرمایه، نداشتن مهارت و توان علمی، نبودن بازار کار و اشتغال و عدم تلاش و پشتکار مهمترین موانع اشتغال دانش‌آموختگان دوره‌های علمی کاربردی است.

با توجه به این نتایج می‌توان پیشنهادهای زیر را جهت کاهش نواقص این دوره و ارتقای نقاط قوت آن ارائه نمود:

- با توجه به اهمیت کارآفرینی و خوداشتغالی در شرایط کنونی جامعه و با توجه به سیاستها و تاکیدات برنامه‌ریزان کلان کشور، لازم است تا به تقویت مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان در دوره‌های علمی کاربردی و نیز فعال کردن مراکز رشد و کارآفرینی توجه ویژه‌ای گردد.

- با تحلیل وضعیت و نیازهای بازار کار، دوره‌های علمی کاربردی متناسب با نیاز بازار تعریف گردد.

- برای کسب مهارت‌های عملی و تجربی به دوره‌های کارورزی و کارآموزی در این دوره‌ها توجه بیشتری شود.

- از طریق منابع مالی، اعتباری و بانکی امکان دسترسی به سرمایه و وام‌های لازم برای اشتغال‌زایی دانش‌آموختگان دوره‌های علمی کاربردی فراهم گردد.

- توجه به فرهنگ شایسته‌سالاری در جذب و اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی



- اکبری، ر.، و موحدی و ح. کوچکیان. (۱۳۸۸). بررسی نگرش دانشجویان کشاورزی نسبت به اشتغال در بخش کشاورزی: مطالعه موردی دانشگاه بوعلی سینا، پژوهش در ترویج و آموزش کشاورزی، سال دوم، شماره ۴ (۱۰۲-۹۱).
- بترایی، م. (۱۳۸۲). بررسی میزان رضایت شغلی دانش آموختگان رشته های کشاورزی و برخی عوامل موثر بر آن، علوم و صنایع کشاورزی، دوره ۱۷، شماره ۱ (۸۳-۸۸).
- برآبادی، الف. (۱۳۸۷). تحلیل موانع اشتغال دانش آموختگان کشاورزی، نظام جامع اطلاع رسانی اشتغال، سازمان تجاری سازی فناوری و اشتغال دانش آموختگان. <http://www.jobportal.ir/s1/>.
- بستاکی، م. و ع. م. عمویی. (۱۳۸۸). بررسی میزان اشتغال دانش آموختگان دوره های علمی کاربردی جهاد کشاورزی، فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، شماره ۸ (۱۷-۱۱).
- پورکریمی، ج. (۱۳۸۸). مقایسه رضایت شغلی و انگیزش پیشرفت در دانش آموختگان کشاورزی خوداشتغال و غیرخوداشتغال، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۱۵ (۱) (۱۷۵-۱۵۵).
- جابران، ع. و ح. حیدری. (۱۳۸۳). روند تحول آموزش های علمی - کاربردی کشاورزی و چشم انداز توسعه آتی آن، مجموعه مقالات سومین کنگره ملی آموزش های عالی علمی - کاربردی، تهران: دانشگاه جامع علمی - کاربردی.
- حجاری زاده، م. م. ح. صدیقی و ک. روستا. (۱۳۹۲). بررسی رضایت شغلی دانش آموختگان کشاورزی در سازمان جهاد کشاورزی سیستان، همایش ملی پدافند غیر عامل در بخش کشاورزی. جزیره قشم: شرکت تعاونی علم گستران پیشتاز ایرانیان.
- حسینی، ر. و الف. حسینی. (۱۳۹۱). آموزش کارآفرینی: رویکردی نو در جهت حل مشکل اشتغال دانش آموختگان کشاورزی، کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان. : بابلسر: شرکت پژوهشی طرود شمال.
- خداحیمی، س. و الف. طاهری. (۱۳۸۵). بررسی ارتباط رضایت شغلی اعضای هیات علمی با سبک رهبری در دانشگاه آزاد اسلامی، نشریه دانشگاه آزاد اسلامی، شماره ۲۹ و ۳۰ (۲۸-۱۲).
- خسروی پور، ب. و م. ر. سلیمانپور. (۱۳۸۹). تبیین نقش و ویژگی های فردی موثر بر اشتغال دانش آموختگان دختر آموزش عالی در دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی رامین - اهواز، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۸، شماره ۴ (۲۲۰-۲۰۳).
- خسروی پور، ب.، ز. منجم زاده. (۱۳۹۰). بررسی دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین در خصوص عوامل و موانع موثر در کارآفرینی و اشتغال دانش آموختگان کشاورزی، مجله تحقیقات اقتصاد در توسعه کشاورزی ایران، دوره ۲-۴۲، شماره ۱ (۱۱۶-۱۰۵).
- خسروی پور، ب. و م. ر. سلیمانپور. (۱۳۸۸). راهکارهای آموزشی موثر در توسعه اشتغال دانش آموختگان مجتمع آموزش جهاد کشاورزی خوزستان، فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، شماره ۹ (۲۸-۱۹).
- دینانی، م. و م. ح. فولادی. (۱۳۸۰). بررسی وضعیت اشتغال دانش آموختگان رشته های کشاورزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۳۴ (۳۴۱-۳۲۷).
- زمانی، غ. و امیری اردکانی، م. (۱۳۸۲). موفقیت تحصیلی از دید فرهیختگان کشاورزی، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیستم، شماره اول (پیاپی ۳۹): ۹۵-۱۰۹.
- شریعتی، م. ر. ع. حمدی و الف قادری. (۱۳۸۳). بررسی وضعیت اشتغال و عوامل موثر بر موفقیت شغلی دانش آموختگان مراکز آموزش عالی علمی کاربردی، مجموعه مقالات پنجمین همایش آموزش های علمی - کاربردی بخش کشاورزی، شیراز: موسسه آموزش عالی علمی کاربردی جهاد کشاورزی.
- فرخ زاده، م. ح. عطایی، ح. روحانی و ف. فاضلی کاخکی. (۱۳۸۹). بررسی وضعیت اشتغال دانش آموختگان دوره های علمی کاربردی مرکز آموزش عالی جهاد کشاورزی خراسان رضوی (در سال تحصیلی ۱۳۸۶). فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، شماره ۱۲ (۲۱-۱۲).
- فولادگر، م. (۱۳۹۰). موانع اشتغال و کارآفرینی دانش آموختگان بخش کشاورزی، همایش ملی اشتغال دانش آموختگان بخش کشاورزی و منابع طبیعی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- محقق معین، م. ح. (۱۳۸۳). اثربخشی دوره های علمی - کاربردی کشاورزی، مجموعه مقالات سومین کنگره ملی آموزش های عالی علمی - کاربردی، تهران: دانشگاه جامع علمی - کاربردی.



- مهدوی، م. و م. ر. عزیزی. (۱۳۷۹). عوامل مؤثر در رضایت شغلی کارکنان، تعاون، شماره ۱۰۷ (۵۶-۵۱).
- میرزایی فیض آبادی، الف و غ. خوی نژاد. (۱۳۸۳). بررسی وضعیت اشتغال دانش آموختگان دوره‌های علمی کاربردی جهاد کشاورزی، مجموعه مقالات پنجمین همایش آموزش های علمی - کاربردی بخش کشاورزی، شیراز: موسسه آموزش عالی علمی کاربردی جهاد کشاورزی.
- میرکمالی، م. و ف. نارنجی ثانی. (۱۳۸۷). بررسی رابطه کیفیت زندگی کاری و رضایت شغلی بین اعضای هیات علمی دانشگاهی تهران و صنعتی شریف، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۴۸ (۷۱-۱۰۱).
- منفرد، ن.، رجب‌بیگی، م.، یاسمی، م.، آوخ کیسی، م.، امینی، ا.، و برنا، م. (۱۳۸۹). بررسی رابطه آموزش‌های مرکز آموزش عالی علمی کاربردی علوم و صنایع شیلاتی خلیج فارس با اشتغال دانش‌آموختگان، گزارش نهایی پروژ تحقیقاتی، مرکز اسناد و مدارک علمی سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی.
- نوری پور، م. و س. هدایتی نیا. (۱۳۹۱). شناسایی مولفه‌های رضایتمندی شغلی دانش آموختگان دانشکده کشاورزی دانشگاه یاسوج، مجموعه مقالات چهارمین کنگره علوم ترویج و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی، کرج.
- همتی، ف. غ. پزشکی راد و م. چپذری. (۱۳۸۶). بررسی وضعیت شغلی و موفقیت شغلی دانش آموختگان مراکز آموزش جهاد کشاورزی استان آذربایجان شرقی، مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی، جلد ۳ شماره ۱ (۸-۱).
- یوسفی حاجیوند، ر. و ب. خسروی پور. (۱۳۹۰). اشتغال دانش آموختگان کشاورزی: الزامات، چالشها و راهکارها، همایش ملی اشتغال دانش آموختگان بخش کشاورزی و منابع طبیعی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- Brown, P. L. & M. Barton. (۲۰۰۲). *Palomar college ۱۹۹۹-۲۰۰۰ vocational education employer study*, Division of vocational technology Palomar college.
- Cartmell II, D. & Gatton, B. (۲۰۰۴). An Assessment of Agricultural Education Graduates' Preparation for Careers in Teaching and Industry. *Proceeding of the ۲۷th Annual National Agricultural Education Research Conference*. [online].
- Flynn, R.J. (۱۹۹۵). *Follow-up evaluation of career-counseling programs*, ERIC Clearinghouse on counseling and student services Greensboro NC. Canadian guidance and counseling foundation Ottawa.
- Henderson, J. L. & G. Shibano. (۱۹۹۰). Follow-up of international graduate students in agricultural education at the ohio state university, *Journal of agricultural education*, Spring: ۷۱-۷۴.
- Judge, T., Cable, D., Boudreau, J., and Bretz, R. (۱۹۹۵). An Empirical Investigation of the predictors of Executive Career Success, *Personnel Psychology*, Vol ۴۸, pp. ۴۸۵-۴۹۹.
- Kirchemeyer, C. (۲۰۰۶). The different effects of Family on Objective Career Success across gender: A test of Alternative explanations. *Journal of vocational Behavior*, ۶۸, ۳۲۳- ۳۴۶.
- Lehmann, W., Dennis, D., & Coffin, W.L. (۲۰۰۴). *Employment survey of university of Alberta graduates of ۱۹۹۵*. Part I, findings. Student services. University of Alberta.
- Mallory, M. E. and Sommer, R. (۱۹۸۶). Student image of agriculture: survey highlights and Recommendations. *The Journal of American Association of Teacher Educators in Agriculture*. ۲۷ (۴): ۱۵-۱۷.
- Randavay. S. (۱۹۹۰). A follow-up study of the doctoral program in agricultural and extension education, *Journal of agricultural education*. Summer: ۴۰-۴۳.